

برهان نظم
تعاریف، تقریرها، اشکالات
محمد زائری تمبکی*

چکیده

ساده‌ترین و عمومی‌ترین و به اعتباری مؤثرترین برهان در خداشناسی، برهان نظم است. این برهان به علت عمومی بودن، یعنی گستردگی حوزه اقامه کنندگان و مخاطبان برهان تا حد تقریباً عموم آدمیان، مورد بی‌دقتی‌هایی در تقریر و فهم و مدعای آن واقع شده است؛ تا آنجا که شبهه‌هایی نابجا بر آن وارد کرده‌اند. در این نوشتار، پس از بحثی کلی درباره برهان نظم و بیان پیشینه آن در فلسفه و کلام اسلامی به بیان تقریرهای مختلف این برهان در کلام فلاسفه و آیات و روایاتی در این باب و همچنین بیان اشکالات و نقدهایی که به برهان نظم در راه اثبات وجود خدا مطرح است می‌پردازیم.

کلمات کلیدی: برهان، برهان نظم، تقریر برهان

مقدمه

از مسائلی که در سرنوشت انسان بسیار اهمیت دارد، بحث در باب خدا، معاد، وحی و پیامبران الهی است. آدمی اگر بداند که خالق حکیم و توانا و مهربان، او را آفریده که رابطه‌ی مخلوقانه با چنین خدایی در هر لحظه برقرار است و به تعبیری، خدا در هر لحظه ناظر اعمال و کردار اوست و نیز خلقت او بی هدف نیست و زندگی این دنیا، فرصتی برای تکامل همه جانبه بوده و نیز تعالیم انبیای

mohammad_zaaere@yahoo.com

*دبیر، دبیرستان شهید چمران، شهرستان میناب

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵



الهی توصیه‌های تکامل آفرین و سعادت بخشی است که خداوند از سر لطف در اختیار او قرار داده است و زندگی این دنیا، مزرعه‌ی آخرت است و اعمال نیک او، در این دنیا زندگی جاودانه و سعادت آمیز او را در آخرت رقم خواهد زد. مسلماً چنین فردی در زندگی به گونه‌ای خاص عمل می‌کند. حال فرد دیگری را در نظر بگیرید که معتقد است هیچ خالق حکیم و مهربانی برای خود و جهان وجود ندارد بلکه این اتم‌های ناآگاه بوده‌اند که در یک جریان تصادفی این همه گیاهان و حیوانات متنوع و انسان‌های با شعور را آفریده‌اند، هیچ هدفی از خلقت این عالم از جمله انسان نداشته‌اند، زندگی انسان و همه‌ی موجودات محدود به همین عالم مادی است که فرصتی برای خوش گذرانی و لذت طلبی هرچه بیش تر است و هیچ دنیای دیگری در میان نیست، تفاوتی بین اعمال نیک و بد انسان‌های ظالم و صالح نیست و هیچ کسی ناظر اعمال او در خلوت و جلوت نیست؛ مسلماً، چنین شخصی به گونه‌ای متفاوت از فرد نخست عمل خواهد کرد.

برهان نظم یا برهان غایت‌شناختی یا اِتقانِ صُنْع یا برهان الهیات طبیعی یکی از مهمترین برهان‌های اثبات وجود خدا است، و در کنار برهان‌های علیت و وجودی، چارچوب کلی براین دیگر را می‌سازد.^[۱]

پدیده‌های طبیعی، آنچنان ساختار، عملکرد، یا ارتباط درونی دقیقی را نشان می‌دهند که بسیاری این فرض که ورای آن‌ها یک طراح هوشمند وجود دارد را نتیجه‌ای طبیعی - اگر نه اجتناب ناپذیر - دانسته‌اند. فلاسفه در قرون متمادی سعی کرده‌اند که این مشاهدات را به شکل با بیان منطقی در بیاورند. به مجموعه این استدلال‌ها، برهان نظم گفته می‌شود.^[۲] برهان نظم به‌طور خلاصه می‌گوید اگر به پیرامون خود بنگریم، ناگزیر در می‌یابیم که چگونه هر چیزی با عملکردش سازگاری و تناسب دارد، به گونه‌ای که گویی از سر تدبیر طراحی شده‌است. قائلین به این برهان، نتیجه می‌گیرند که این مسئله، وجود خدا را به اثبات می‌رساند. به عبارت دیگر، جهان ما نشان دهنده وجود نوعی آفرینش است، نه اتفاقی کور و تصادفی. مدافعان برهان نظم، این انتخاب‌کننده را خدا می‌نامند.^[۳]



منکران این برهان، نظم موجود را معلول عوامل طبیعی قلمداد می‌کنند و غایت را به نهاد طبیعت نسبت می‌دهند. برخی معتقدند برهان نظم به لحاظ فلسفی از اثبات وجود خدا ناتوان است. با این حال، برهان نظم به فهم عموم نزدیک‌تر است و با تجربه‌های دینی نیز سازگاری بیشتری دارد.^[۴] برهان نظم در میان فلاسفه مسلمان رواج داشته‌است؛ اما آنان از اندیشه نظم در اثبات ذات خدا کمتر بهره گرفته‌اند، هرچند، شواهد نظم جهان را در مبحث علم و حکمت الهی و در بیان آموزه‌هایی چون عنایت و نظام احسن به کار برده‌اند. مفسرین، بعضی از آیات قرآن را بیان‌کننده این برهان می‌دانند.

برهان نظم، استدلالی که صبغه دینی نیز دارد و در متون دینی نیز به آن اشاره شده است. البته از دیدگاه فلاسفه، تنها به عنوان مویدی برای وجود خدا می‌تواند باشد.

این استدلال، با مشاهده نظم و نظام خاصی که بر جهان حاکم، به وجود آفریننده و نظم دهنده‌ای پی برده می‌شود. ویژگی این استدلال این است که فهم آن برای عموم مردم نسبت به سایر استدلال‌هایی که برای اثبات خدا ارائه شده است، آسان‌تر است. صورت مشترک این برهان، مشتمل بر دو مقدمه است:

مقدمه ۱. جهان طبیعت در بردارنده پدیده‌های منظم است؛

مقدمه ۲. هر نظامی نیازمند تدبیر و چاره‌اندیشی فاعلی نظم آفرین است؛

نتیجه: جهان آفرینش، ناظم و آفریننده‌ای دارد که آنرا نظم می‌بخشد.^[۵]

طرح برهان نظم در کلام اسلامی به عنوان یکی از راه‌های اثبات وجود خدا سابقه دیرینه‌ای دارد. به رغم این سابقه، پرسش‌ها و ابهام‌های فراوانی پیرامون صغری، کبری و تقریرات برهان نظم وجود دارد. آنچه بیش از همه بر ابهام می‌افزاید، تعریف «نظم» و تعیین قسم خاصی از نظم در تقریرات برهان نظم است. انحصار نظم در این برهان به نظم غایی، دلیل روشنی ندارد؛ با استفاده از نظم فاعلی نیز می‌توان برهان را تقریر کرد. نیازمندی به هدف، رکن تقریر استدلال با استفاده از نظم غایی است، در حالی که تعیین هدف از راه تجربه سخت یا غیر ممکن است و استفاده از استدلال‌های فلسفی برای تعیین هدف، برهان نظم را از سادگی و همه فهم بودن می‌اندازد؛ هرچند بسیاری از اشکالات را حل می‌کند.



پیشینه تحقیق

در غرب

تلاش اندیشمندان برای جستجوی نوعی وحدت در عالم و تفسیر کثرت‌ها بر اساس آن را می‌توان قدیمی‌ترین پیشینه برای برهان نظم دانست. اما درباره پیشینه مکتوب آن در مغرب زمین، می‌توان گفت: هرچند در یونان باستان، برهان نظم دلیل سازمان یافته نبود، اما در لابه لای سخنان حکمای این عصر، اعتقاد به ارتباط و تناسب نظم حاکم بر طبیعت با منشأ ذی شعور و هدفدار و در مقابل اندیشه عدم وجود مبدأ در عالم، به استناد وجود بی‌نظمی‌ها و شرور، به چشم می‌خورد. نگاه غایت‌انگارانه سقراط به جهان طبیعت،^[۶] نظام مندی عالم طبیعت توسط عقول و مثل در فلسفه افلاطون،^[۷] اثبات هدف غایی برای طبیعت و هدفمندی همه حرکت‌ها در حکمت ارسطویی،^[۸] اعتقاد به حاکم بودن نغمه‌های هماهنگ موسیقی بر عالم و نظام مندی عالم بر مبنای عدد و ریاضی در اندیشه فیثاغوریان،^[۹] و در مقابل، انکار غایت‌مندی و نظم‌انگاری و اعتقاد به تناقض در مفهوم «خدا» در سفسطه‌های اپیکورس،^[۱۰] نمونه‌هایی از دل‌مشغولی اندیشمندان و در نهایت، پیشینه یونانی این برهان می‌باشند. در دوره‌های بعد، اعتقاد به مبدأ لایزال الهی و راه‌یابی به حکمت و حیات او از مشاهده ساختار شگفت‌انگیز طبیعت در اعترافات آگوستین^[۱۱] و ترمیم و تنقیح برهان «نظم» و اعتقاد به جایگاه رفیع الهیات طبیعی برهان نظم و... (پس از الهیات وحیانی از سوی آکوئیناس^[۱۲] حاکی از ترقی و تعالی جایگاه این برهان در قرون وسطا و فلسفه مدرسی (اسکولاستیک) می‌باشد. اعترافات دانشمندانی همچون گالیله،^[۱۳] رابرت بویل،^[۱۴] جان ری^[۱۱] و نیوتن^[۱۲] به اعتبار دلایل طبیعی (مثل برهان «نظم») بر اثبات مبدأ هستی، قاعده همسازی پیشین لایب‌نیتز^[۱۳] برای اثبات علت غایی و رهایی از مشکل شرور - علی‌رغم انتقادهای هیوم و کانت بر برهان نظم - موجب افزایش مقبولیت عام و گسترده این برهان در سده‌های آغازین عصر نوگرایی گردید. ارائه نمونه‌های فراوان عینی از نظم و تدبیر در عالم طبیعت توسط ویلیام پیلی^[۱۴] و تلاش‌های برخی دانشمندان در رسایل بریج‌واتر^[۱۵] در آغاز سده نوزدهم، نوید شروع یک نهضت و تدوین کتب علمی را برای اثبات نظام مندی عالم طبیعت می‌داد که نظریه جدید داروین^[۱۶] در چگونگی پیدایش انواع (۱۸۳۷) ضربه محکمی بر پیکره الهیات طبیعی و برهان نظم وارد



کرد. اما الهیات طبیعی در سده بیستم، با وجود خرده گیری ها و انتقادهای اشخاصی همانند بارتینک^[۱۷] (در کتاب ساعت ساز کور) و ایان باربور^[۱۸] (در کتاب علم و دین) اعتبار خود را همچنان حفظ کرد. کتاب‌های راز آفرینش انسان،^[۱۹] سرنوشت انسان^[۲۰] و اثبات وجود خدا^[۲۱] با استفاده از دستاوردهای علوم تجربی بر طراوت و استحکام این برهان در عصر علم زدگی و دین گریزی می‌افزایند. به طور خلاصه، برهان «نظم» با وجود فراز و نشیب‌های خود در غرب، همواره نزد عده قابل توجهی از اندیشمندان موحد، برهان قابل اتکایی بوده است.

در عالم اسلام

هرچند تفکر در طبیعت و راه یابی از مخلوق به خداوند و اوصاف او جزء تعالیم اسلامی تلقی می‌شود و این شیوه استدلال جایگاه خاصی در قرآن کریم و دیگر متون دینی ما دارد؛ با این حال، برهان نظم تا حدی مورد بی مهری بسیاری از اندیشمندان مسلمان واقع شده و تلاش چندانی در جهت تحکیم آن صورت نگرفته است و آن را به عنوان یک دلیل عقلی و مستدل بیان نکرده‌اند. از این رو، در بخش عمده‌ای از متون فلسفی و کلامی ما اثری از این برهان نیست. اگر فلاسفه اسلامی را در این کم توجهی معذور بداریم بی مهری متکلمان مسلمان قابل اغماض نیست. البته عده‌ای از متکلمان و فلاسفه، که در بحث‌های اعتقادی عنایت بیشتری به متون دینی دارند، در آثار خود به آن پرداخته‌اند و از آن به عنوان دلیلی بر اصل وجود خداوند یا برهان بر بعضی از صفات الهی نام برده‌اند. فلاسفه‌ای همچون کندی (۲۵۲ ق)^[۲۲] و ابن رشد (۵۹۵ ق)^[۲۳] و متکلمانی همچون ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ ق)^[۲۴]، ابوحامد غزالی (۵۰۵ ق)^[۲۵]، فخر رازی (۶۰۴ ق)^[۲۶]، عضدالدین ایجی (۷۵۶ ق)^[۲۷]، تفتازانی،^[۲۸] عبدالرزاق لاهیجی^[۲۹] و خواجه نصیرالدین طوسی^[۳۰] از این دسته‌اند. در میان معاصران نیز شهید مطهری^[۳۱]، در مستدل و فلسفی کردن این برهان، استاد سبحانی^[۳۲]، در تنظیم تقریرهای متفاوت آن و استاد جوادی آملی^[۳۳] در تبیین و نقد فلسفی آن تلاش شایسته‌ای انجام داده‌اند.



تعریف برهان

برهان، نوعی استدلال است که صورت آن از شکل‌های معتبر قیاس خصوصاً شکل یکم و ماده آن هم باید از قضیه‌هایی تشکیل شود که درستیشان قطعی باشد. [روح‌الله عالمی ۱۳۸۹، منطق، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی]

معنای نظم و اقسام آن

نظم از نخستین اموری است که در این عالم توجه همه انسانها به ویژه متفکران را به خود معطوف داشته است.

همین نظم مشهود در جهان است که متفکران یونان باستان را بر آن داشته تا جهان هستی را مبتنی بر اصول واحدی بدانند؛ مثلاً، یکی عالم را بر اساس اصل بنیادین آب یا هوا و یا عنصر نامتعیین توجیه میکند و دیگری بر اساس ریاضیات و اعداد و سومی نظم را به عالمی برتر و بالاتر از این عالم یعنی عالم صور باز می‌گرداند.

نظم را از جهتی به نظم صناعی و نظم تکوینی یا طبیعی تقسیم کرده اند: نظم صناعی نظم‌ی است که در مصنوعات آدمی وجود دارد مانند نظم‌ی که در یک ساعت یا یک ساختمان یافت می‌شود؛ نظم تکوینی به عالم طبیعت و آفرینش اشاره دارد مانند نظم بدن آدمی یا ستارگان و کهکشانها.

نظم را به اعتبار دیگر به نظم فاعلی، نظم زیبایی شناختی و نظم غایت شناختی تقسیم کرده اند نظم فاعلی به ارتباط میان فعل و فاعل آن باز میگردد که در واقع مصداقی از اصل علی و معلولی است؛ نظم زیبایی شناختی از هماهنگی میان اجزای یک امر مصنوعی مانند نقاشی، یا یک امر طبیعی مانند طاووس حکایت دارد که باعث تحیر و لذت آدمی می‌شود؛ نظم غایت شناختی عبارت است از نظم در شیئی که از انتخاب و اراده فاعل حکایت دارد، به طوریکه فاعل آن می‌توانست آن شیء را به نوعی دیگر بسازد، اما در این صورت دیگر آن هدفی که از ساختن آن مورد نظر بود، حاصل نمی‌شد. بنابراین، در چنین نظم‌ی وجود شعور و اراده در فاعل ضروری است تا بتواند هدف را تشخیص دهد و وسایل نیل به آن را بشناسد و از این طریق بتواند آنها را به گونه ای کنار هم قرار دهد تا به آن هدف نایل شود.



تبیین برهان نظم

این نوع استدلال با تکیه بر وجود شیء یا اشیاء خارجی دارای نظم غایی و با استناد به اصل علیت، وجود خداوند را تحت عنوان {علتی غیرمادی و عالم و قادر} ثابت می‌کند. گوهر استدلال را با تقریرهای متفاوتی ذکر کردند، با دو مقدمه: ۱. حسی ۲. عقلی مقدمه اول: مشاهدات عینی و کاوشهای علمی از نظم هدفدار موجودات طبیعی گزارش می‌دهند، چیزی که هست، روشن‌ترین و بارزترین جلوه‌های نظم برای بشر در عالم نباتات، حیوانات و انسانها نمایان است و در حقیقت هر یک از رشته‌های علوم، مانند: فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی در خدمت بررسی کیفیت این مجموعه‌هاست که با هماهنگی خاصی، اهداف ویژه‌ای را در دین دارند.

این نظم طبیعی توسط انسان بی‌سواد و دانشمند قابل کشف است. کشاورز از مطالعه زمین و درختان و دانشمند بر اساس وجود قوانین تکوینی به فکر کشف آنها بر می‌آیند. مقدمه دوم: عقل درک می‌کند که یک نوع رابطه منطقی نظم موجودات و نیز هدفمندی و شعور وجود دارد. خرد می‌گوید ساختمان هر یک از این پدیده‌ها، حاکی از یک نوع محاسبه و اندازه‌گیری است که اجزای متفاوت پدیده را از نظر کمی و کیفی متناسب ساخته و در میان آنها همکاری و هماهنگی برقرار کرده است تا هدف تحقق یابد هرگز چنین کاری را نمیتوان معلول هر نوع عامل ناآگاه دانست.

ادعای وجود ناظم، جان برهان نظم است، این برهان گرچه در تعابیر غربیان مبتنی بر تمثیل مصنوعات انسانی است اما باید توجه داشت که در تکوین برگرفته از تمثیل مصنوعات بشری نیست.

تلازم عقلی در میان نظم در پدیده باشعور پدید آورنده گوهر استدلال و برهان نظم است؛ وجود شرور در جهان طبیعت نیز زائیده نظم تکوینی است و نافی هدفمندی و شعور نیست.



ویژگی‌های برهان نظم

۷-۱ برهان نظم از این نظر که دارای پایه‌ای حسی است و پایه دیگرش نیز چنان روشن است که هر عقل سلیمی به روشنی آن را درک می‌کند، از براهین آشکار و آسانی است که حتی کسانی را که از فهم مسائل دقیق ناتوانند، قانع می‌کند.

۷-۲ برهان نظم به اثبات نظم در سراسر جهان نیازمند نیست، بلکه اگر در هر گوشه‌ای نظمی کشف شود، برای نتیجه‌گیری کافی است. هر گاه به کتابخانه‌ای بزرگ گام نهیم و کتابی برداریم که یک موضوع مهم علمی یا ادبی و یا ریاضی را در فصول و ابواب مختلفی پی می‌جوید، یقین می‌یابیم که این اثر، تراوش یک مغز توانا است، نه اثر گردش نامنظم و تصادفی قلم انسانی بی‌سواد، هر چند دیگر کتاب‌های کتابخانه را نیز مطالعه نکنیم.

۷-۳ برهان نظم برهانی است کاملاً پویا و با تکامل علوم و کشف‌های علمی همگام و همراه است و پیوسته نشانه‌هایی نوین و بکر برای اثبات تعلق جهان به مبدأ ماورای طبیعی در اختیار ما می‌گذارد.

برهان نظم در آیات و روایات

قرآن در آیات مختلفی از پدیده‌های طبیعی یاد می‌کند و انسان را به تفکر در آن دعوت می‌کند. -او لم یفکروا فی انفسهم [نهج البلاغه] تفکر داروی بیماری غفلت است و نتیجه‌ی آن ایمان به هدف دار بودن هستی و آخرت است مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی [قراءتی، محسن، تفسیر نور] است.

-امام صادق (ع) در حدیثی به یکی از اصحاب به نام مفضل فرمودند: ای مفضل! نخستین عبرت و دلیل بر خالق، بوجود آوردن این عالم و گردآوری اجزا و نظم آفرینی در آن است. زیرا اگر با اندیشه و خرد در کار عالم نیک و عمیق تفکر کنی آنرا خانه‌ای می‌یابی که تمام نیازهای بندگان خدا در آن آماده و گرد آمده است. آسمان را همانند سقف بلند گردانیده و زمین را به سان فرش گسترانیده است و... اینها همه دلیل آن است که جهان هستی با اندازه‌گیری دقیق و حکیمانه و



نظم و تناسب و هماهنگی آفریده شده و آفریننده آن یکی است و او همان شکل دهنده و نظم آفرین و هماهنگ کننده اجزای آن است.

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده: عجب است از آفریده‌ای که می‌پندارد خداوند از چشم بندگان مخفی است در حالی که آثار صنع او را در ترکیب محیرالعقول و وتالیف قاطع خلقت خود می‌بیند!... هیچ پدیده‌ای نیست مگر اینکه در آن اثر تدبیر و ترکیب که دلالت بر خالق مدبر می‌کند وجود دارد و تالیف مدبرانه آن انسان را به خدای واحد حکیم رهنمون می‌سازد.

—خداوند شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد. چنین است خدای شما. پس چگونه از حق منحرف می‌شوید [سبحانی، جعفر، محاضرات].

—امام علی (ع) فرموده اند: و اگر همه موجودات زنده اعم از پرندگان و چهارپایان و انواع گوناگون هوشمند و کم هوش جانداران گرد هم آیند هرگز قدرت ایجاد پشه‌ای را نخواهند داشت و راه ایجاد آنرا نتوانند شناخت و عقول آنها در راه یافتن به اسرار این موجود سرگشته خواهد ماند.

و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هر گونه گیاهی بر آوردیم و از آن جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی بر می‌آوریم و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار (همانند و غیر همانند) خارج نمودیم. به میوه آن وقتی ثمر دهد و به طرز رسیدنش بنگرید. قطعا در اینها برای مومنان نشانه‌هایی است [ربانی گلپایگانی، علی، عقاید استدلالی]

—امام صادق (ع) در روایتی دارند: در آفرینش درختان و انواع گیاهان بنگر. از آنجا که درخت نیز مانند حیوان همواره به غذا محتاج است و از طرفی مانند حیوان دهان و حرکت ندارد که غذا را بگیرد ریشه‌های آن در دل زمین فرو رفته است تا غذا را از اعماق زمین بگیرد و به شاخ و برگ و میوه رساند. پس زمین مانند مادر پرورش دهنده آن است و ریشه‌ها چون دهان آن است که با آنها غذا را از زمین می‌گیرد چنان که حیوانات کودکان خود را شیر می‌دهند.

“آیا به سوی پرندگان که در فضای آسمان رام شده اند ننگریسته اید؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی‌دارد. راستی در این (قدرت نمایی) برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی است [شهید مطهری، مرتضی، توحید]



این آیات واحادیثی که از نظر گذراندیم تنها بخش کوچکی از مجموعه بزرگ آیات و روایاتی است که در بیان نشانه‌های تجربی وجود خداوند و علم و قدرت نامتناهی اوبه ما رسید.

کاربردهای برهان نظم

متکلمان الهی از برهان نظم در دو جا بهره می‌گیرند: الف: اثبات وجود ناظم؛ نظم جهان طبیعت حاکی از دخالت عقل و شعور در پدید آمدن آن است و هرگز این نظم را نمی‌توان به عامل ناآگاه منسوب ساخت اما این که عامل دانا و توانا چه کسی است و واجب الوجود است یا ممکن الوجود، فناپذیر است یا فناناپذیر، این برهان از پاسخ گفتن به آن ناتوان است. هر برهانی پیامی ویژه دارد و چه بسا یک برهان، بخشی از مدعا را ثابت کند، نه همه آن همه آن را. ب: پس از آن که از برهان وجوب و امکان و دیگر براهین عقلی، منتهی گشتن سلسله هستی‌های امکانی به واجب الوجود بالذات اثبات گردد و روشن شود که نظم حاکم بر طبیعت، فعل و کار اوست، آن گاه از برهان نظم برای اثبات صفات کمال او، مانند علم و قدرت و حیات و حکمت، بهره می‌گیریم. از این رو حکیم الهی، خواجه نصیرالدین طوسی، از برهان نظم در مورد دوم بهره گرفته است، نه در مورد نخست؛ یعنی نخست از طریق برهان وجوب و امکان، وجود واجب بالذات را اثبات کرده و سپس در اثبات صفات کمال او، اتقان و نظم حاکم بر جهان طبیعت را گواه گرفته است. به هر حال، نباید از کاربرد این برهان، که به روشنی دخالت عقل و شعور را در آفرینش نظم ثابت می‌کند، غفلت کرد؛ زیرا نتیجه مزبور در ابطال عقیده مادیگرایان کافی است و این خود یکی از اهداف بلند حکیمان الهی است.

تقریرهای برهان نظم

تقریر بر اساس علیت

در این تقریر از نظم موجود در عالم هستی، دو نتیجه می‌توان گرفت: اثبات وجود نظم دهنده‌ای برای عالم، و اثبات ویژگی‌هایی برای او مثل علم، عقل و شعور. برای اثبات وجود ناظم می‌گوییم: «در عالم طبیعت، نظم برقرار است و هر نظمی به دست ناظمی است، پس باید ناظمی این نظم را در طبیعت قرار داده باشد».



و برای اثبات ویژگیهای ناظم می‌گوییم: «در طبیعت نظم وجود دارد و هر نظمی برخاسته از شعور و آگاهی است، پس بایستی ناظم جهان طبیعت دارای شعور و آگاهی باشد». اساس این تقریر بر اصل علیت استوار است و اینکه «هر پدیده‌ای محتاج پدیدآورنده است» و چون «نظم» پدیده است پس محتاج پدیدآورنده‌ای یعنی ناظمی است و چون نظم و سامان دادن به یک مجموعه نیازمند آگاهی و شعور است پس این ناظم دارای این ویژگیها است.^[۳۴]

برهان هدفمندی

در این برهان بر جنبه‌ی هدفداری موجودات منظم تأکید شده است. ما مشاهده می‌کنیم که پدیده‌های منظمی را که همواره به سمت غایتی در حرکت اند و از سویی، آن فاقد علم و آگاهی است نمی‌تواند به سوی غایتی حرکت کند مگر این که موجودی برخوردار از علم و هوش و تدبیر آن را هدایت کند. موجودات منظم، خود فاقد علم و آگاهی اند؛ بنابراین موجودی آگاه و با تدبیر، آن‌ها را به سمت غایتشان هدایت می‌کند. مصداق این موجودات منظم می‌توانند، هم حیوانات و هم گیاهان، باشند. قرآن مجید در آیاتی به این تقریر از برهان نظم اشاره می‌فرماید و می‌گوید که این، خداست که با هدایت خویش چنان تدبیر می‌کند که گیاهان همواره، میوه‌های زیبا و گوارا تولید کنند.

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قَنَاطِيرُ ذَاتِ الْإِنْفِ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَغْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^[۳۳]

و اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد، پس به وسیله‌ی آن از هر گونه گیاهی برآوردیم و از آن جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن‌ها دانه‌های متراکمی بر می‌آوریم و از شکوفه‌ی درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج کردیم. به میوه‌ی آن، وقتی ثمر دهد و به [طرز] رسیدن اش بنگرید. قطعاً در این‌ها برای مؤمنان نشانه‌هایی است.



هم چنین امیر مؤمنان علی علیه السلام در تعبیری به این تقریر اشاره کرده اند:

«بِيدِكَ ناصيةُ كُلِّ دابةٍ و اليك مَصيرُ كُلِّ نَسَمَةٍ»^[۳۴]

«زمام هر جنبه‌ای به دست توست و بازگشت هر آفریده‌ای به سوی توست»

از این بیانات به خوبی برمی آید که هدایتگر حکیم و عالمی در پس موجودات این عالم وجود دارد

که آن‌ها را به سوی هدفشان رهنمون می‌کند.

برهان نظم از موارد جزئی

در این تقریر، از موارد جزئی نظم به ناظم حکیم پی برده می‌شود. هنگامی که به موجودات این عالم نگاه می‌کنیم، سازماندهی حساب شده و برنامه ریزی دقیق را در آن موجود، احساس می‌کنیم اما چنین نظمی به طور خود به خودی رخ نمی‌دهد؛ بنابراین، در ورای چنین موجودات منظمی، ناظم حکیم و علیمی وجود دارد که از سر حکمت و آگاهی چنین موجودات منظمی را پدید آورده است. با پیشرفت علوم تجربی و کشفیات رموز عالم هستی، برهان نظم جلوه و عظمت بیش تری پیدا کرده است.

تقریر بر اساس انسجام و پیوستگی اجزای عالم

مجموعه‌های عالم طبیعت، دارای انسجام و اتصال شگفت آوری هستند، به گونه‌ای که گاهی یک جزء کوچک در کل عالم طبیعت تأثیر می‌گذارد. اکتشافات علمی همچون اثبات تأثیر نجوم در حیات موجودات روی زمین و دیگر دستاوردهای علمی، این اتصال و انسجام را آشکارتر می‌سازد. این ارتباط و تنیدگی مجموعه‌ها در همدیگر، دلالت بر وجود شعور و دخالت عقلی بزرگ در ساختار جهان می‌کند^[۳۶].

تقریر بر اساس حساب احتمالات



وجود حیات و زندگی بر روی زمین، بر اثر وجود شرایط فراوانی است و عوامل گوناگونی با یکدیگر هماهنگ شده‌اند تا حیات کنونی موجودات عالم طبیعت، نظم و سامان کنونی خود را یافته است، به گونه‌ای که نبود هر یک از این شرایط موجب بی‌نظمی و فساد این عالم می‌شود. این شرایط و عوامل به قدری زیاد هستند که احتمال اتفاقی بودن این نظم و هماهنگی را بسیار ضعیف و در حد صفر می‌کند.

تقریر شهید مطهری

مطهری بیش از همه در سه اثر خود به برهان نظم پرداخت است: اصول فلسفه و روش رئالیسم، علل گرایش به مادگرایی و توحید. مطالعه احوال موجودات نشان می‌دهد که ساختمان جهان و ساختمان واحدهایی که اجزاء جهان را تشکیل می‌دهند حساب شده است هر چیزی جایی دارد و برای آن جا قرار داده شده است و منظوری از این قرار دادن‌ها در کار بوده است. جهان درست مانند کتابی است که از طرف مؤلف آگاهی تألیف شده است، هر جمله و سطر و فصلی محتوی یک سلسله معانی و مطالب و منظورهایی است، نظمی که در کلمات و جمله‌ها و سطرها به کار برده شده است از روی دقت خاصی است و هدف را نشان می‌دهد. هر کس تا حدودی می‌تواند خطوط و سطور کتاب خلقت را بخواند و یک سلسله معانی از آنها درک کند و قصد و فکر مؤلف آن را دریابد. هر کسی می‌تواند نظامات حکیمانه و آثار و علائم به کار رفتن تدبیر و اراده را در کار خلقت، روشن استنباط کند هر چند درس ناخوانده و بیابانی باشد. ولی البته اگر کسی با علوم طبیعی آشنایی داشته باشد به تناسب معرفتش به این امور، نظامات و آثار و علائم وجود و حکمت و تدبیر را در کار خلقت بیشتر ادراک می‌کند. قرآن کریم با اصرار و ابرام بی‌ظنیری افراد بشر را به مطالعه در خلقت و ساختمان موجودات به منظور شناختن خداوند سوق می‌دهد و همچنین در کلمات پیشوایان دین - که نمون هاش خطبه‌ها ی نهج البلاغه و توحید مفضّل و برخی دعاها و برخی احتجاجات ائمه اطهار است - عنایت فوق العاد های به این مطلب شده است [۳۷]



تحلیل اشکال‌های هیوم بر برهان نظم؛^{۱۳۸}

دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶م) انگلیسی از فلاسفه تجربه‌گرا و شکاک غربی است. وی با بسیاری از مبانی متافیزیک به معارضه برخاست، چنانکه دلایل وجود خدا را مورد مناقشه قرار داد، از آنجا که در عصر وی معروفترین دلیل اثبات وجود خدا در جهان غرب دلیل نظم یا برهان علت‌غایی بود، وی این دلیل را مورد چالش قرار داد و اشکالاتی را بر آن وارد کرد. بسیاری از متکلمان و فلاسفه‌ی غربی اشکالات وی را وارد دانسته و دلیل نظم را ناستوار دانستند. متفکران اسلامی نیز در بحث‌های فلسفی و کلامی خود مناقشات هیوم بر برهان نظم را مورد توجه قرار داده و بر آنها پاسخ دادند که در این تحقیق اشکالات هیوم را مورد بررسی قرار گرفته است.

اشکال نخست

برهان نظم، برپایه‌ی تشبیه و تمثیل استوار است، یعنی پدیده‌های جهان به مصنوعات بشری مانند خانه و ماشین تشبیه شده و همانگونه که ما اگر خانه‌ای را ببینیم بی‌درنگ به وجود سازنده‌ای دانا و توانا و با تدبیر حکم می‌کنیم، از مشاهده‌ی نظم موجود در پدیده‌های جهان نیز به وجود آفریدگاری دانا و توانا و حکیم پی می‌بریم. ولی می‌توان این تشبیه را مورد مناقشه قرار داد، زیرا اگر ما با دیدن خانه به وجود سازنده‌ی آن پی می‌بریم بدان جهت است که قبلاً آنرا تجربه کرده ایم. همینگونه است در مورد دیگر مصنوعات بشری. ولی چنین تجربه‌ای در مورد پدیده‌های جهان را با نظم و ترتیب مخصوصی مشاهده کرده ایم، و هرگز پدید آمدن آنرا توسط پدید آورنده‌ای دانا و حکیم تجربه نکرده ایم، تا جهان کنونی و نظم حاکم بر آنرا نیز، به استناد تجربه‌های گذشته، مصنوع آفریدگاری دانا و حکیم بدانیم.

پاسخ

برهان نظم، از براهین تجربی نیست، تجربی بودن برهان به این است که حد وسط حکم یا قضیه‌ای تجربی باشد، ولی حد وسط در برهان نظم، حکم یا قضیه‌ای است عقلی.



از نظر عقل، نظم غایی با آگاهی و اختیار ملازمه دارد. اگر در جهان نظم غایی موجود است، تفسیر عقلانی آن بدون قبول آفریدگاری دانا و توانا ممکن نیست. اگر در تقریر برهان نظم از روش تمثیل استفاده و از مصنوعات بشری (خانه، ماشین،...) مثال آورده می‌شود، بدان جهت نیست که تشبیه و تمثیل از مبانی برهان نظم است، بلکه برای آن است که مثالهایی از حکم عقلی و بدیهی را یاد آو شوند.

اشکال دوم

شاید بتوان پذیرفت که از طریق برهان نظم می‌توان مدبری برای جهان اثبات کرد، ولی هرگز نمی‌توان از این طریق وجود آفریدگاری را ثابت کنیم که در ادیان اسمانی معرفی شده است، یعنی خداوندی که از نظر صفات و کمالات هیچگونه نقصی نداشته باشد.

پاسخ

هر برهانی رسالت ویژه‌ای دارد، رسالت برهان نظم بیش از این نیست که دیدگاه ماتریالیست‌ها را ابطال نموده و ثابت کند جهان طبیعت، معلول و مخلوق است و بر اساس طرح و تدبیر آگاهانه و حکیمانه پدید آمده است. اما اینکه آفریدگار جهان از نظر کمالات وجودی متناهی است یا غیرمتناهی، بسیط است یا مرکب، ماهیت یا ندارد، صفاتش عین ذاتش می‌باشد یا زاید بر ذاتش و مانند آن، از برهان نظم به دست نمی‌آید.

ارزش برهان نظم در این حد است که ما را تا مرز ماوراءالطبیعه سوق می‌دهد. این برهان همین قدر ثابت می‌کند که طبیعت ماورایی دارد.

اما اینکه آن ماوراء واجب است یا ممکن، حادث است یا قدیم، واحد است یا کثیر، محدود است یا نامحدود، علم و قدرتش متناهی است یا نامتناهی، از حدود این برهان خارج است. اینها مسائلی است که بر عهده‌ی فلسفه‌ی الهی است که با براهین دیگری اثبات می‌کند.

اشکال سوم



از نظم و اتقان جهان طبیعت نمی‌توان به کمال علم و حکمت آفریدگار آن پی برد، زیرا احتمال دارد نظم کنونی پس از آزمون و خطاهای بسیار آفریدگار آن و پس از روزگاری طولانی پدید آمده باشد. ما اگر یک کشتی را ببینیم، در آغاز به هوشمندی و سازندگی آن حکم می‌کنیم، اما پس از آن که دانستیم او طرح خود را از دیگران اقتباس کرده است و آن طرح نیز پس از قرن‌ها آزمون و خطا بدست آمده است، اعجاب ما را نسبت به سازنده‌ی کشتی فرو خواهد کاست.

پاسخ

اشکال یاد شده - همچون اشکال پیشین - ناشی از درک نادرست رسالت برهان نظم است. هر گاه بپذیریم که برهان نظم بر وابستگی جهان طبیعت به جهان ماوراء طبیعت دلالت می‌کند و بر دخالت علم و اختیار در پیدایش نظم طبیعی گواهی می‌دهد، بر درستی برهان نظم مهر تأیید نهاده ایم. این که آفریدگار جهان آیا کمالات خود را درک کرده است یا بالذات آن‌ها را دارد، در قلمرو رسالت برهان نظم نیست و باید از راه‌های دیگری بررسی شود.

اشکال چهارم

مبنای برهان نظم این است که شباهت معلول‌ها دلیل بر شباهت علت‌هاست، و چون معلول‌های بشری بر فاعل‌هایی دانا و انتخابگر دلالت می‌کنند، معلول‌های طبیعی نیز که از نظر نظم به معلول‌های بشری شباهت دارند، بر فاعل یا فاعل‌هایی شبیه فاعل‌های بشری دلالت می‌کنند، نتیجه‌ی این برهان اثبات آفریدگاری است برای جهان همانند فاعل‌های بشری. حال اگر کسی خداوند را پیراسته از هرگونه مثل و مانندی بداند، نمی‌تواند نتیجه‌ی برهان نظم را بپذیرد. بنابراین برهان نظم، برهانی عقلی و همگانی نخواهد بود.

پاسخ

اولاً برهان نظم مبتنی بر تمثیل و تشبیه نیست، ثانیاً تشبیه و تمثیل دو چیز به یکدیگر، بر مشابَهت همه جانبه‌ی آن دو چیز دلالت نمی‌کند، بلکه تنها ویژگی‌های مشترک بین مشبه و مشبه‌به ملاک



و میزان است، مثلاً تشبیه انسان به شیر در ویژگی شجاعت است، نه در دیگر خصوصیات شیر. بنابراین، اگر از طریق مشابَهت معلول‌های طبیعی به معلول‌های بشری، بر نیازمندی جهان به آفریدگاری دانا و مختار استدلال شود آنچه مورد نظر است، فقط ویژگی دانایی و اختیار است، نه دیگر صفات و ویژگی‌های بشری، در این صورت برهان نظم با اصل پیراستگی آفریدگار جهان از مثل و مانند هیچگونه منافاتی ندارد.

اشکال پنجم

در جهان طبیعت حوادثی رخ می‌دهد که برای موجودات دیگر زیانبار است، این حوادث همان شرور طبیعی اند مانند زلزله‌ها و طوفانها، با وجود چنین پدیده‌های ناهنجار چگونه می‌توان طرح جهان را ناشی از عقلی سلیم و خیراندیش دانست؟

پاسخ

اولاً اثبات همه‌ی صفات کمال خداوندی در محدوده‌ی این برهان نیست و باید آنها را از راههای دیگری ثابت کرد. ثانیاً وجود شرور طبیعی با هیچ یک از صفات کمال الهی منافاتی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

برهان نظم برهان اکثریت قاطع مردم و برهان متون مقدس است. متون مقدس، به ویژه قرآن مجید و روایات اسلامی، به این برهان توجه و مردم را به آن دعوت کرده‌اند. تفاوت این برهان با دیگر برهانهای اثبات وجود خدا این است که اولاً برهان توده مردم است و اگر متکلم ناتمام بودن آن را بپذیرد، باید برهانی جایگزین برای توده مردم ارائه کند. ثانیاً اگر متکلم این برهان را ناتمام بداند، باید از متون مقدس دفاع کند که چرا به این برهان ناتمام تمسک جسته و مردم را به آن دعوت کرده‌اند. در متون مقدس مسیحی کمتر از متون اسلامی به برهان نظم توجه شده، اما عالمان مسیحی بیش از عالمان مسلمان آن را تبیین کرده و در دفاع از آن کوشیده‌اند. عالمان مسلمان معمولاً از کنار آن گذشته یا آن را راهی صرفاً اقناعی یا برای توده‌های مردم، نه عالمان، دانسته‌اند.



به هر حال، اگر این برهان ناتمام باشد، باید مردم را از جهل بیرون آورد و از متون دینی دفاع کرد؛ کاری که هرگز صورت نگرفته است. [هستی و شناخت / سال ۶ / شماره ۱ / پیاپی ۱۱ / صص ۷۵-۹۷]

منابع و ماخذ

- آندره کرمسون، فلاسفه بزرگ، ترجمه کاظم عمادی، تهران، صفی علیشاه، ج ۱، ص ۷۱. [۱۰]
- ابن رشد، الکشف عن مناهج الادله، ص ۶۵. [۲۳]
- ابوحامد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۱۸۲. [۲۵]
- اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، صفحه ۷۵-۷۴. [۳۷]
- انواری، محمدجواد (۱۳۸۱) جلد ۱، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. [۱]
- الفبای فلسفه، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس، صص ۳۰-۲۹. [۲]
- اشعری؛ ص ۱۰؛ غزالی، احیاء ج ۱ ص ۱۲۹، ابن رشد، ۲۳۱-۲۳۰. [۴]
- ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۳. [۱۲]
- ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۰۴-۱۱۱. [۱۴، ۱۵]
- احمد دیلمی، طبیعت و حکمت، قم، نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ص ۴۱. [۱۷، ۱۸]
- اثر کرسی مورسین (۱۹۷۸)، ترجمه محمد سعیدی. [۱۹]
- اثر لکننت دونوئی، ترجمه عبدالله انتظام. [۲۰]
- انعام (۶) ۹۹. [۳۴]
- پورروستایی، جواد، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۴۲، ۴۳، ۴۴ صص ۷۴-۵۱. [۵]
- پژوهشنامه علم و دین، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان. [۶]
- توتم پرستان همه عالم را با توتم خود مرتبط می دانستند. (عبدالحسین زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر، ۱۱۳۷۸، ص ۱۵) [۷]
- جعفر سبحانی، الالهیات، مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۱، ص ۳۳. [۳۲]
- رسائل الکندی الفلسفیه، تصحیح هادی ابوریده، ج ۱، ص ۲۱۴. [۲۲]



- ریچارد پاپکین و آروم استرول، کلیات فلسفه، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، تهران، حکمت، ص ۱۷۰. [۸]
- سبحانی، ج ۱، ص ۳۳-۳۵. [۳۳]
- سبحانی، ج ۱، ص ۴۳. [۳۶]
- سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد، الشریف الرضی، ج ۴، ص ۱۴. [۲۸]
- فردریک کاپلستون، پیشین، ج ۱، ص ۴۴. [۹]
- فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، ج ۱، ص ۱۳۴. [۶]
- فخر رازی، التفسیر الکبیر، استامبول، العامره، ج ۳۲، ص ۱۳۹. [۲۶]
- عبدالرحمن بدوی، مذاهب الاسلامیین، ج ۱، ص ۶۰۳، به نقل از: باقلانی، التمهید، ص ۲۳. [۲۴]
- عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ص ۲۲۳. [۲۹]
- قاضی عضدالدین ایجی، المواقف فی علم الکلام، ص ۲۳۶. [۲۷]
- کارل یاسپرس، آگوستین، ترجمه محمدحسن لطفی، خوارزمی، ج ۱، ص ۶۲. [۱۱]
- همان، ص ۳۶-۵۷. [۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲]
- محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا، تهران، زوآر، ج ۲، ص ۱۰۸. [۱۳]
- مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، صدرا، ج ۵، ص ۵۶. [۳۱]
- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹. [۳۵]
- همان، ص ۲۸۱. [۷]
- وحیدخراسانی، وحید(۱۳۸۱)، قم، مدرسه امام باقر، صص ۳۳-۳۱. [۳]

پیوست‌ها

- **Abstract**
- This historical argument is as long as human life and is one of the most common proofs of the existence of God .
- Order was one of the most debated arguments in the ۱۸ th century and David Hume did not accept it and objected to it .



- Introduction The argument of order is the observation of the phenomena of the universe, but the argument itself is a rational argument .
- The Qur'an's invitation to thought in the verses of Afaqi (beings, heavens, earth, mountains, etc.) shows the Qur'an's appreciation of the argument of order .
- Verses related to the argument of order: "In the creation of the heavens and the earth are the signs for the believers, and in your creation, and we are given the revelation of the verses to the people, and the difference between night and day .
- Two attributes are proved in the argument of order for God Almighty: wisdom and knowledge .
- Keywords: Argument of Order, Hume, Monotheism, Rational, Philosophical Concept, Nature